

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اسرائیل شامیر (Israel Shamir)
برگردان و پی نوشت توسط: ا. م. شیرین
۱۲ دسمبر ۲۰۱۲

چاپ ۱۶ تریلیون دالر از سوی بانک مرکزی امریکا و توزیع آن بین بانکها

بانکداران و شعبده بازان سیستم فدرال رزو (امریکا)، در عرض یک سال، شانزده تریلیون دالر - مبلغی، ده برابر بیشتر از درآمد ناخالص ملی روسیه - چاپ نموده و بین دوستان و آشنایان خود توزیع کردند. این اقدام بی سابقه در جریان اولین حسابرسی رسمی سیستم فدرال رزو توسط دیوان محاسباتی فاش گردید و رسانه های غربی هم با سکوت از کنار آن گذشتند. فقط مجله «فوربس»^(۱) با انتشار یک اطلاعیه کوتاه، تعجب خود را از سایه سکوت حاکم بر سر نتایج خارق العاده اظهار داشت.

این رقم افسانه ای به چه معنی است، و چه کسانی در پشت این عملیات محیرالعقول ایستاده اند؟ سیستم فدرال رزو یا سیستم ذخایر فدرال، نقش بانک مرکزی امریکا را بازی می کند، به عبارت دیگر، این بانک، کاغذهای سبزرنگی به مثابه ارز بین المللی چاپ می کند. اما فدرال رزو به دولت و به ملت امریکا تعلق ندارد. این یک کمپانی خصوصی است که در سالهای دور ۱۹۱۳ در پی تبنانی پنهانی سیاستمداران و بانکداران برجسته در جزیره جکیل این وظیفه را عهده دار شد. از آن وقت تا کنون بانکهای پشتیبان سیستم فدرال رزو سودهای کلانی به دست می آورند. بدین تریب که هر دالر پرداختی آنها به صورت وام با بهره به دیگران داده می شود و از درصد این وامها، سودهای کلانی عاید بانکها می شود. روسیه نیز از سال ۱۹۹۱ به فدرال رزو خراج می پردازد. مردم امریکا، طرفداران فدرال رزو را دوست ندارند و برخی از آنها، آن را منشأ شر جهانی می شناسند. یوستاس مالینز که اخیراً فوت کرد، در سالهای پنجاه زیر رهبری شاعر و متفکر بزرگ امریکائی، ازرا پاونده (Ezra Pound)، کتاب «اسرار سیستم فدرال رزو» را نوشت. با وجود این که سوزانده شده ممنوع اعلام گردید، میلیونها نسخه آن به فروش رفت. از آنوقت تا کنون، صحبت از سیستم فدرال رزو در امریکا شکل احمقانه پیدا کرده و تقریباً مانند هر صحبت در باره نخبگان افسانه ای صهیون، به بهترین وسیله خود تخریبی تبدیل شده است.

اما چند سال پیش سناتور آزادگرا و مایوس، ران پُل که چیزی نمانده بود به عنوان نامزد انتخابات ریاست جمهوری امریکا از حزب جمهوریخواه در آن سال برگزیده شود، بار دیگر پرچم مبارزه با فدرال رزو را

برافراشت. **دنيس کوچينيچ**، نماينده كنگره امريكا از حزب دمكرات، كه او نيز نيروي خود را در مبارزه براي احراز مقام رياست جمهوري مورد آزمون قرار داد و همچنين، سناتور مستقل، **برني ساندرس** از وي پشتيباني كردند. آنها موفق شدند، به رغم مخالفت بانكداران، در وهله اول، **بن برناكه** و **آلن گرينسپن**، تصويب لايحه اي دابر بر باز كردن دفتر محاسباتي سيستم فدرال رزرو در مقابل ديوان محاسباتي را به كنگره تحميل نمايند. اولين حسابري از سال ۱۹۱۳ به عمل آمد و انتشار رسمي نتايج آن با سكوت آزادترين مطبوعات امريكا در جهان همراه گرديد. اين حسابري نشان داد كه سيستم فدرال رزرو هنگام بحران سال ۲۰۰۸ و بعد از آن، مخفيانه ۱۶ **تريليون دالر چاپ نموده** و آن را بين بانكهاي «خود» توزيع کرده است و آنها نيز اين مبالغ هنگفت را به عنوان پاداش به بانكداران پرداخته اند. اگر چه سيستم فدرال رزرو اين عمليات را «اعطای وام» ناميد و صرفنظر از اين كه «وام» ها هم به صورت بي بهره اعطا گرديد، حتي يك سنت آنها بازپرداخت نشد. در مقام مقايسه يادآوری می كنيم كه درآمد ناخالص ملي امريكا، ۱۴ تريليون دالر، حجم بدهی ملي امريكا، ۱۴ تريليون دالر، بودجه سالانه امريكا سه و نيم (۳/۵) تريليون دالر می باشد. اگر چه فدرال رزرو خود را يك سازمان دولتي تعريف می كند، اما نه كنگره، نه رئيس جمهور در جريان توزيع اين مبالغ هنگفت نبودند و اين در حالي اتفاق بود، كه در امريكا شركتها يكي بعد از ديگري تعطيل می شوند، مردم به خاطر ناتواني در بازپرداخت وامهايشان از خانه هايشان بيرون رانده می شوند و بالاخره، مردم فقير، فقيرتر می شوند. از اين مبلغ هنگفت، ۸۱۴ **مليارد دالر به گلدمن ساكس**، دو [۲] **تريليون دالر به مریل لينچ (Merrill Lynch)**، دو و نيم [۲/۵] **تريليون دالر به «سیتی گروپ»**، دو [۲] **تريليون دالر به مورگان استنلی**، يك و سه دهم [۱/۳] **تريليون دالر به بانك امريكا**، ۵۰۰ **مليارد دالر به رويال بانك اسكاتلند** و ۵۰۰ **مليارد دالر به بانك المان (دويچه بانك)** پرداخت شد.

سناتور **ساندرس** در مقاله خود می نويسد:

«زمانی كه بحران سر برآورد، كنگره امريكا، پس از بحثها و مذاكرات طولانی، ۸۰۰ **مليارد دالر** به شكل «باج» به بانكهاي آسیب ديده اختصاص داد. اكنون معلوم گرديده كه سيستم فدرال رزرو، بدون كسب اجازه از دولتي كه به طريق دمكراتيک انتخاب شده، پولهاي چندين برابر بيشتري از اين منظور چاپ کرده است. به همين سبب در كشور تحت اداره كنيسه واشينگتن، به مثابه الكو براي بسياري از ليبرالهاي روسيه، ناعادله ترين نظام توزيع درآمد و ثروت برقرار شد». ثروتهای ۴۰۰ نفر ثروتمندترينهای امريكا، از تمام دارائی ۱۵۰ ميليون نفر امريكائي و ثروت شش تن از وارثان زنجيره سوپر ماركت «وال مارت» از مجموع ثروت ۳۰ درصد امريكائيها بيشتري است. يك [۱] درصد امريكائيها، ۴۰ درصد از مجموع دارائی كشور را در اختيار دارد و در حدود ۶۰ درصد آنها صاحب كمتر از دو درصد ثروتهای كشور می باشند. هم اكنون می بينيم كه آنها اين ثروتها را نه تنها به حساب كار و زحمت خود، حتي به حساب هوش و استعدادشان نيز به دست نياورده اند. اينها حاصل همان سرقت و كلاهبرداری است كه در روسيه يلتنسين هم اتفاق افتاد و عمليات لندن برزوفسكي و آبراموويچ اخيراً آن را در حافظه ما زنده كرد. دزدی و اختلاس، آنطور كه **ناوالنني** و همفكرانش تصور می كنند، فقط ويژگي متمايز روسيه پوتين نيست، بلكه وجه مشخصه سرمايه داری مالی معاصر است.

بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ و به دنبال آن، ركود اقتصادی، در مجموع بيش از ۸/۱۲ (دوازده و هشت دهم) تريليون دالر هزينه روی دست امريكا گذاشت. اين واقعيت را تحقيقات سازمان غيرانتفاعي «بتر ماركِتس» (Better Markets) ثابت می كند. براي مقايسه يادآوری می شود كه صندوق بين المللی پول در سال

۲۰۰۹ هزینه های مبارزه با بحران را چه در کشورهای در حال توسعه و چه در کشورهای توسعه یافته، در حدود ۱۱ تریلیون دالر برآورد کرد. بر اساس برآوردهای **بتر مارکتس**، درآمد ناخالص ملی ایالات متحده آمریکا به سبب بحران در فاصله سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ در حدود ۶/۷ (هفت و شش دهم) تریلیون دالر کاهش خواهد یافت. علاوه بر این، دولت آمریکا هم مجبور شد برای اجتناب از رکود بیشتر، ۲/۵ (پنج و دو دهم) تریلیون دالر در بخش اقتصاد و بانکداری سرمایه گذاری نماید. شرکت کنندگان در این تحقیقات اظهار می دارند که مبلغ واقعی هزینه ها بیش از اینهاست. در این تحقیقات گفته می شود که برآورد آسیبهای اخلاقی وارده به دهها میلیون آمریکائی محروم شده از آخرین پس اندازها، املاک و کار خود بسیار دشوار است. بر اساس داده های بتر مارکتس، درآمد خانوارهای آمریکائی در سالهای ۲۰۰۷-۲۰۱۰ به طور متوسط ۴۰ درصد کاهش یافت، و در سال ۲۰۱۰ تعداد جمعیت زیر فقر آمریکا تا ۲/۴۶ (چهل و شش و دو دهم درصد) میلیون نفر، به بیشترین حد در طول نیم قرن گذشته رسید^(۲).

از تاریخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۲ توکیو نیز به دنبال اروپا و آمریکا ماشین چاپ پولش را به کار انداخت. ۶ سپتامبر بانک مرکزی اروپا نیز رسماً اعلام کرد که تصمیم دارد برای سرمایه گذاری در بازار اوراق قرضه، به میزان نامحدودی پول چاپ کند. یک هفته پس از این، سیستم فدرال رزرو آمریکا تصمیم خود راجع به دور جدید «کاهش کمی» (چاپ پول) را اعلام کرد که در چهارچوب آن، ماهانه خرید اوراق قرضه به مبلغ ۴۰ میلیارد دالر برنامه ریزی می شود. همانطور که بعدها رئیس رزرو بانک نیویورک، ویلیام دادلی (William Dudley) با صراحت بیشتر گفت، دور سوم چاپ پول تا زمانی که آهنگ توسعه اقتصادی آمریکا ترمیم نشده، ادامه خواهد داشت^(۳).

پی نوشت مترجم:

دیکتاتوری دالر! این واقعیتی است که تمام جهان را به فساد و تباهی کشانده و این، همان واقعیت انکارناپذیری است که همه طرفداران حفظ نظام بی نظم موجود، به ویژه، متخصصان امور مالی- اقتصادی از هیچ کوششی برای فراموش کردن آن فروگذاری نمی کنند. این، در عین حال به شدت آسف انگیز است که اغلب احزاب، سازمانها و شخصیتهای سیاسی و متخصصان اقتصادی به ظاهر مخالف نظام سرمایه داری حاکم بر جهان، زیر شعارهای فریبنده «دمکراسی» و «حقوق بشر» غرب، از طرح و بررسی آن به راحتی طفره می روند.

البته، این مهم نیست که تصور وزن و حجم ۱۶ تریلیون دالری که بی هیچ حساب و کتابی فقط در عرض یک سال چاپ شده، بسیار دشوار است، مهم این است که هر کسی باید پاسخ این پرسش را حداقل پیش خودش بدهد که این رقم نجومی چه نقش ویرانگرانه ای را در تخریب جامعه انسانی بازی می کند.

در ادبیات سیاسی- اقتصادی امروز، یاهو تر و بی مایه تر از این ادعا نمی توان سراغ داشت که «اقتصاد آمریکا، بزرگترین اقتصاد جهان است». اقتصاد آمریکا یک اقتصاد تروریستی- کانگستری است که بر پایه چاپ پولهای بی پشتوانه، به عبارت دقیقتر، به حساب تاراج عدوانی ثروتهای جهان با همدستی دولتهای سرمایه داری حاکم در کشورهای مختلف روی پا ایستاده است. بدون این، یقیناً که دولت آمریکا توانائی اداره کشورش را، حتی به مدت یک ماه هم ندارد.

روشن است که فدرال رزرو آمریکا (متشکل از ۱۲ بانک خصوصی تحت مالکیت عمدتاً عناصر صهیونیستی) این پولهای کاغذی را پس از چاپ انبار نمی کند، بلکه به خوبی می داند که باید آنها را به کالا تبدیل نماید. در

اینصورت این سؤال پیش می آید که به چه کالا یا کالاهائی و با استفاده از کدام راه و روشها این امر ممکن می گردد.

تحمیل نظام تک ارزی به تجارت و مبادلات بازرگانی جهان، پرداخت بهای ثروتهای بشریت با دالرهایی بی پشتوانه (مثلاً، نفت و گاز عربستان سعودی و قطر یا طلا و الماس افریقا)، خرید و فروش مستقیم دالر به عنوان کالای سودآور، تأمین مخارج جنگهای استعماری، تأمین هزینه های تشکیل و تسلیح گروهها و سازمانهای تروریستی، تأمین بودجه سازمانهای به اصطلاح غیردولتی، از جمله جریانهای با تمایلات «دمکراسی خواهی» و «حقوق بشری» و بسیاری اشکال دیگر، از جمله راه و روشهای هستند که با استفاده از آنها، این پولها به چرخه اقتصادی جهان وارد می شود و آن را به تباهی می کشاند.

امروز و هر زمان دیگر، امر مبارزه در راه صلح، آزادی، استقلال و حقوق انسانی، بدون همپیوندی تنگاتنگ با مبارزه علیه دیکتاتوری دالر، نمی تواند به هیچ نتیجه مثبتی منجر شود. واضح است که بدون مبارزه پیگیر علیه دیکتاتوری دالر، مبارزه با تروریسم بین الملل، اعلام مخالفت با تحریمهای ضدانسانی علیه کشورهای مختلف، از جمله کشور ما ایران، تلاش برای دستیابی به اقتصاد مستقل و پویا را نمی توان چیزی جز آب در هاون کوبیدن به حساب آورد. تا زمانی که دالر بی پشتوانه امریکا در کشورهای مختلف جهان به عنوان یک کالای سودآور خرید و فروش می شود، چند تا صرافای هم به سادگی می توانند اقتصاد یک کشور را زیر و زبر کنند و درست در همین حال، ارائه هر گونه سازوکاری برای مهار بحران اقتصادی- مالی در هر کشور، همه تلاشها برای یافتن راههای تثبیت نرخ ارز ملی، جلوگیری از افزایش مداوم تورم و نرخ کالاها بدون مبارزه عملی با دیکتاتوری دهشتناک دالر، نمی تواند کمترین نتیجه مثبتی در پی آورد.

(۱)-<http://www.forbes.com/sites/traceygreenstein/2011/09/20/the-feds-16-trillion-bailouts-under-reported/>

(۲)-<http://www.lenta.ru/news/2012/09/13/cost/>

(۳)-<http://www.lenta.ru/news/2012/09/19/trillion/>

<http://bolshoyforum.org/forum/index.php?page=523>

۲۱ آذر- قوس ۱۳۹۱